خبرها

اجرای دو اپرا از «دهلوی» در ایتالیا

میراث خبر: دو اثر از «دهلوی» شامل آریای «شاهپور» از اپرای خسرو و شیرین و آریای «گرگ» از اپرای مانی و مانا در جشنواره لاسکالای ایتالیا اجرا می‌شود. بهرام تاج آبادی خواننده اپرا که در فرانسه زندگی می‌کند، در جشنواره لاسکالا که به مسابقه «لیلا گنسر» معروف است و در اپرای لاسکالای میلان ایتالیا برگزار می‌شود، شرکت می‌کند. در این جشنواره که به صورت رقابتی برگزار می‌شود، خوانندگان اپرای زیادی از سراسر جهان شرکت می‌کنند. بهرام تاج آبادی درباره این جشنواره گفت: «بعد از اجرای «آریای گرگ» اپرای مانی و مانا که در فرانسه برگزار شد، یکی از دست‌اندرکاران این جشنواره که در سالن کنسرواتوار حضور داشت پیشنهاد شرکت در آن را به من داد. چون مرحله اول آن در اپرای معروف لاسکالای میلان ایتالیا برگزار می‌شد، به من پیشنهاد کردند که آریاهایی از یک اپرای ایتالیایی اجرا کنم. اما من ضمن اظهار تشکر اعلام کردم که اگر اشکالی نداشته باشد می‌خواهم آریاهایی از اپراهای ایرانی را بخوانم.» او ادامه داد: «از پیشنهاد او تشکر کردم اما گفتم ترجیح می‌دهم یک اپرای ایرانی اجرا کنم. در مقابل چنان با تعجب مرا نگاه کرد که ناچار شدم نیم‌ساعت درباره اپراهای ایرانی و تاریخ موسیقی در ایران برای او توضیح بدهم. چون این موضوع برای او هم جالب بود قبول کرد که دو آریای ایرانی اجرا کنم.» تاج‌آبادی در مرحله اول این جشنواره دو اثر از استاد حسین دهلوی آریای «شاهپور» از اپرای خسرو و شیرین و آریای «گرگ» از اپرای مانی و مانا را اجرا می‌کند که با تکنوازی یک پیانو همراه است. مرحله دوم این جشنواره در استانبول ترکیه برگزار می‌شود. آریاها قسمت‌های آوازی یک اپرا هستند که توسط یک خواننده اجرا می‌شود. معمولاً ارکستر یا یک نوازنده سولو این خواننده را همراهی می‌کند. تاج‌آبادی ادامه داد: «خواندن در سالنی که افرادی نظیر ماریا کالالس، مانستر آتکابل، پلاسیدو دومینگو، فرانکو کورلی و پاواروتی قبلاً آنجا اجرا داشتند، به عنوان یک ایرانی برایم افتخار بزرگی است.» مرحله اول مسابقات لیلا گنسر که نام یک خواننده ترکیه‌ای اپرا است، نوزدهم ماه مه (بیست و نهم اردیبهشت‌ماه) در میلان آغاز و مرحله دوم آن در ماه آگوست (مردادماه) در استانبول ترکیه دنبال می‌شود. در مرحله دوم، پنج آریا به شرکت کنندگان معرفی می‌شود که باید با ارکستر سمفونی استانبول اجرا کنند. لاسکالای میلان یکی از معتبرترین سالن‌های اپرای جهان است. بیش از دویست نفر متقاضی شرکت در این جشنواره هستند. هیات داوران جشنواره نیز از خوانندگان، رهبران، ارکستر و مدیران اپرا تشکیل شده است. این جشنواره پنج سال پیاپی است که برگزار می‌شود و جایزه برنده آن بیست و پنج هزار یورو است.

دستان با قطعات و خواننده جدید

گروه دستان این بار با آهنگ‌های با کلام، قطعات جدید خود را به گوش مخاطبان خود می‌رسانند. کنسرت این گروه روزهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ تیرماه جاری در کاخ نیاوران اجرا

می‌شود و قبل از این در فستیوال موسیقی ملل که ۹ تیرماه در مادرید برگزار خواهد شد، به اجرای برنامه خواهد پرداخت. اعضای دستان را حمید متبسم، حسین بهروزی‌نیا، پژمان حدادی، بهنام سامانی و سعید فرج‌پوری تشکیل می‌دهند و این برنامه که اجرایی کاملاً جدید از گروه دستان است شامل دو قسمت اصفهان با آهنگسازی سعید فرج‌پوری و چهارگاه با آهنگسازی حمید متبسم است که خواننده قطعات با کلام سالار عقیلی خواهد بود. دستان علاوه بر این قصد دارند امسال در شهرهای شیراز، ساری و اصفهان نیز کنسرت‌هایی داشته باشند.

نوای موسیقی آذری در تالار وحدت

فارس: گروه موسیقی آذربایجانی آراز به سرپرستی و خوانندگی «رحیم شهریاری» ۴ تا ۶ اردیبهشت‌ماه در تالار وحدت به اجرای برنامه می‌پردازد. در این اجرا «رشید وطن‌دوست» و «رحیم شهریاری» قطعاتی از آخرین آلبوم خود به نام «گئتمه‌قال» و «عصرین گوزلی» را اجرا خواهند کرد. که قطعاتی چون عصرین گوزلی، یاشا آذربایجان، پاییز آخشامی، وفاسیز، گئتمه قال و دوئت امان ننه و سنده قالماز توسط «رشید وطن‌دوست» اجرا می‌شود. لازم به ذکر است گروه آراز در ایام نوروز تور موسیقی در اروپا داشتند.

موتسارت، همچنان محبوب انگلیسی‌ها

ایلنا: در یک نظرسنجی رادیویی که در انگلیس برای انتخاب محبوب‌ترین اثر کلاسیک برگزار شد، «کلارینت کنسرتو» موتسارت جایگاه برتر را از آن خود کرد. این نخستین باری است که آهنگساز اتریشی رده اول نظرسنجی‌های آونیم ایستگاه رادیویی مذکور را از آن خود می‌کند؛ این در حالی است که امسال دویست و پنجاهمین سالگرد تولد موتسارت نیز هست. کنسرتو پیانو دوم «راخمانینوف» که در فیلم برخورد کوتاه از آن استفاده شده قبلاً به مدت ۵ سال صدرنشین این نظرسنجی بود. موتسارت در جدول ۳۰۰ موسیقی برتر جهان ۲۴ بار حضور پیدا کرده که از نزدیک‌ترین رقیبش بتهوون ۳ بار بیشتر بوده است. «الگار» محبوب‌ترین آهنگساز بریتانیایی است که در جدول ۱۰ موسیقی برتر ۹ بار حضور یافته و پس از او «واگان ویلیامز» با ۸ بار حضور قرار دارد. نظرسنجی «هال آونیم» ایستگاه رادیویی اف ام بدین معنی است که طی تاریخ ۱۱ ساله‌اش فقط سه شماره یک جدید دارد. پیش از حضور پنج ساله «راخمانینوف» در صدر این جدول کنسرتو شماره یک ویولن «ماکس بروخ» پنج سال صدرنشین بود.

گفت‌وگو با امیر مهیار تفرشی‌پور، آهنگساز

نخستین کنسرتوی ایرانی برای چنگ و ارکستر

پژمان اکبرزاده

ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی در اسفندماه سالی که گذشت برنامه‌های جالبی برای شناساندن جنبه‌های گوناگون موسیقی ایران در لندن برگزار کرد. بی‌سابقه‌ترین بخش از این برنامه، اجرای مجموعه‌ای از آثار سمفونیک سه نسل از آهنگسازان معاصر ایران با این ارکستر بین‌المللی بود. رویدادی که هرگز در تاریخ موسیقی سمفونیک ایرانی رخ نداده بوده و اگر هم اجرایی در برون مرز صورت گرفت با پشتیبانی نهادهای دولتی ایران بود. این کنسرت از جنبه دیگری نیز جالب توجه و آن اجرای نخستین کنسرتو برای چنگ و ارکستر ساخته یک آهنگساز جوان ایرانی است. امیر مهیار تفرشی پور (متولد ۱۳۵۳ در تهران) دانش آموخته کنسرواتوار وستیسک در دانمارک در رشته پیانو و کالج موسیقی ترینیتی و دانشکده موسیقی گیلدهال لندن در رشته آهنگسازی است. وی که در پاییز ۱۳۸۲ به اتفاق علیرضا فرهنگ برنده جایزه اول نخستین دو سالانه موسیقی نو در دانشگاه تهران شد، همزمان با پشتیبانی فرهنگسرای نیاوران از شاند ویلیامز تکنواز چنگ ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی، برای اجرای یک رسیتال در تهران دعوت به عمل آورد. در آن برنامه که نخستین رسیتال چنگ در سال‌های پس از انقلاب به شمار می‌رود افزون بر آثار آهنگسازان اروپایی، اثری از تفرشی پور با نام «فانتزی ایرانی» که در آن فضای امپراتوری کهن ایران تداعی می‌شد نیز به اجرا درآمد.

چنگ، به نوشته دانشنامه ایرانیکا، کهن‌ترین نقش موجود از آن در ایران متعلق به سه هزار و چهارصد سال پیش از میلاد در خوزستان است که در جریان حفاری‌های باستان‌شناسی در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲) کشف شد که اکنون در بخش پژوهش‌های شرقی دانشگاه شیکاگو نگهداری می‌شود. در موزه ایران باستان نیز قطعه‌ای سفالین وجود دارد که روی آن نقش یک بانوی چنگ‌نواز متعلق به دوره پارتیان به چشم می‌خورد. نواختن چنگ در دوران اسلامی نیز در ایران ادامه یافت. رودکی علاوه بر شاعر به عنوان یک نوازنده چنگ نیز در ادبیات پارسی معرفی شده و فارابی، صفی‌الدین ارموی و عبدالقادر مراغه‌ای نیز در نوشته‌هایشان به ساختار این ساز اشاره کرده‌اند. این ساز در بسیاری از مینیاتورها و سروده‌های شاعران پارسی گوی نیز حضور دارد. با این همه «چنگ» از دوران صفویان از موسیقی ایران رخت بربست و تقریباً همان زمان در اروپا گسترشی روزافزون یافت و در نهایت با افزودن سیستم پدال به ارکستر سمفونیک راه یافت.

ظاهراً نخستین کسی که آموزش این ساز را در دوره معاصر در ایران آغاز کرده ماریان گرون فلدوا است. وی همراه با ۹ نوازنده دیگر از جمهوری چک به دعوت غلامحسین مین باشیان (رئیس وقت اداره موسیقی کشور و هنرستان موسیقی) برای تدریس به تهران آمد. نامدارترین چنگ‌نوازان معاصر ایران، فرزانه نوایی و آذرنوش صدرسالک هستند. نوایی که در هنرستان عالی موسیقی و آکادمی موسیقی وین تحصیل کرد چندی نیز در محضر هوشنگ ظریف به فراگیری موسیقی ایرانی با تار پرداخت و درصدد برآمد تا برای نواختن نغمه‌های ایرانی با چنگ، شیوه تازه‌ای پدید آورد ولی درگذشت زودهنگام و ناگهانی او در سال ۱۳۸۳ در اتریش این کوشش‌ها را ناتمام گذاشت. آذرنوش صدرسالک که در ایران اقامت دارد تا چند سال پیش با ارکستر سمفونیک تهران همکاری داشت ولی او نیز با توجه به شرایط، متاسفانه در حال حاضر فعالیت چشمگیری در امر آموزش و اجرا ندارد و ارکستر سمفونیک نیز در زمان نیاز به جای این ساز از پیانو استفاده می‌کند!

امیر مهیار تفرشی‌پور به عنوان آهنگساز، تلاش بسیاری در زمینه آفریدن قطعاتی برای چنگ و رواج دوباره آن در عرصه موسیقی امروز ایران داشته است. وی حتی درصدد برآمد با همکاری شاند ویلیامز و با تشویق آهنگسازان ایرانی آلبومی از ساخته‌های آنها برای چنگ فراهم آورد. پروژه‌ای که در اصل سال‌ها پیش از سوی فرزانه نوایی آغاز گردید و با برخورد سرد آهنگسازان ایرانی با شکست مواجه شد. تفرشی‌پور که به تازگی به ایران بازگشته از فعالیت‌هایش در این زمینه و همچنین اجرای کنسرتو برای چنگ و ارکستر که نام «پژواک پارسی» را بر آن نهاده با ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی سخن می‌گوید: «جای تاسف است که چنگ با داشتن پیشینه‌ای کهن در ایران، در حال حاضر در کشورمان تا این حد مهجور واقع شده است. نزدیک به یک سده از فعالیت آهنگسازان ایرانی در فرم‌های موسیقی کلاسیک می‌گذرد ولی ظاهراً نه کنسرتویی برای این ساز نوشته شده و نه حتی قطعه‌ای برای تکنواز چنگ. دلیل این بی‌توجهی جداً پرسش‌برانگیز است. البته ساخت قطعه برای این ساز چندان ساده نیست و راهنمایی گرفتن از یک چنگ‌نواز حرفه‌ای را نیز طلب می‌کند. شاید کمبود نوازنده چنگ (هارپ) در ایران نیز این عدم تمایل را تشدید کرده باشد ولی به هر حال آشنایی با شاند ویلیامز که یکی از چنگ‌نوازان بین‌المللی است و همچنین اشتیاق خود من برای زنده کردن این ساز در فضای موسیقی ایران موجب شد تا قطعه «فانتزی ایرانی» ساخته و در پاییز ۱۳۸۲ در فرهنگسرای نیاوران اجرا شود. موقعیت بسیار خوب دیگری که چند ماه پس از آن پدید آمد سفارش ساخت یک کنسرتو برای چنگ و ارکستر از سوی ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی بود که در اسفندماه سالی که گذشت در لندن به اجرا درآمد.»

▲ شاندویلیامز سولیست چنگ و ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی پس از اجرای «پژواک پارسی»

■■■

■ما از موسیقی باستانی ایران و همچنین رپرتوار چنگ در گذشته هیچ ایده جدی موسیقایی نداریم. آنچه برجای مانده تنها نمونه‌های حجاری شده و تئوری‌های کلی است. چه چیز ایده ساخت «پژواک پارسی» بوده است؟ صرفاً تاثیری احساسی که در ذهن از این یادگارهای تاریخی پدید می‌آید؟

معماری باستانی ایران معماری پیچیده‌ای است و از آنجا که معماری و موسیقی در تاریخ هنر با هم پیوند داشته‌اند می‌توان تصور کرد که موسیقی ایران باستان نیز موسیقی پیچیده و باشکوهی بوده است که البته این تنها یک گمان است. من نخستین آهنگسازی نیستم که می‌کوشد شکوه فرهنگ و هنر ایران باستان را با موسیقی نشان دهد. «پژواک پارسی» اثری است که هم از وضعیت معاصر و هم از گذشته ما ملهم است. بازتاباندن آن همه رویداد در یک اثر بیست و چند دقیقه‌ای کار ساده‌ای نیست چرا که ایرانی امروز درگیر تناقض‌های بسیاری است. فرهنگ ملی، مذهبی و غربی همه در زندگی امروز ایرانیان ادغام و بسیاری از مردم ما جداً در شناخت جایگاه خود دچار مشکل شده‌اند. نخستین موومان در این کنسرتو با ملودی ساده‌ای در دستگاه همایون آغاز می‌شود که برای شنونده بیشتر حالتی بداهه‌پردازانه دارد ولی پس از چند میزان، قطعه با ورود سازهای زهی به فضایی درگیر و اندیشمندانه می‌رسد؛ شاید مانند یک ایرانی امروزی. با شناختی که از ساز چنگ یا هارپ وجود دارد کوشیدم برخلاف توقع شنوندگان از این ساز استفاده کنم چرا که چنگ تنها یک ساز زیبا و باستانی برای نواختن آریژ و گلیساندو نیست. این شیوه نگرش تقریباً در همه دنیا حاکم است که بیشتر از موسیقی فیلم‌های هالیوودی سرچشمه گرفته است. کوشیدم این ساز را به دور از این تکنیک‌های کلیشه‌ای و به شیوه‌ای متفاوت به کار برم مانند لوچیانو بریو (آهنگساز بزرگ ایتالیایی) که در یکی از کارهای خود به نام «سکوانس» (برای چنگ) کاربردی غیرمعمول از تکنیک‌های چنگ داشته که از آن جمله می‌توان به نواختن چند نت به طور همزمان اشاره کرد که به عنوان «کلاستر» شناخته می‌شود. در کادانس موومان نخست، قطعه به حالت تونال خود بازمی‌گردد و به دور از هیاهوهای دیسونانس، بار دیگر به دستگاه همایون اشاره می‌کند. در آغاز موومان دوم، ویولن آلتو نغمه‌ای را می‌نوازد که نشان از درونگرایی و ابهام زندگی ما دارد. در میزان‌های بعدی بخش‌های مختلف ارکستر به صورت کنترپوانیک ویولن آلتو را دربر می‌گیرند و سپس شنونده را برای ورود چنگ آماده می‌کنند. در ادامه دیالوگی بین چنگ و ارکستر پدید می‌آید و در نهایت در سکوت کامل، این موومان به پایان می‌رسد. سومین موومان که بیشتر به یک رقص باستانی ایرانی شباهت دارد هم از درگیری مردم با امور روزمره زندگی خود حکایت دارد و هم از روحیه عرفانی و ایرانی ما. به منظور ایده گرفتن برای ساخت این اثر سفری نیز به کرمانشاه برای دیدن چنگ ایرانی در طاق‌بستان داشتم. نقش‌هایی که از دوره ساسانیان به یادگار مانده و در آنها چند بانوی نوازنده در حال چنگ‌نوازی هستند.

■آیا رهبر و نوازندگان ارکستر توانستند به راحتی با اندیشه‌ای که زیربنای ساخت این اثر بوده ارتباط برقرار کنند یا ناگزیر بودید درباره فضای بخش‌های گوناگون کار به آنها توضیح دهید؟

به جز معرفی خودم به آنها در نخستین جلسه تمرین به یاد نمی‌آورم که با آنها صحبتی کرده باشم! چرا که در یک ارکستر حرفه‌ای مانند ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی، نوازندگان نیازی به توضیحات آهنگساز ندارند و هر آنچه در پارتیتور نوشته شده را با دقت فراوان و همچنین با وسواس شدید رهبر به اجرا درمی‌آورند. تکنواز قطعه، شاند ویلیامز که دارای همسری ایرانی است هم با شناختی که از تاریخ و فرهنگ ایران داشت با مهارت کامل، اجرایی ویژه و بسیار احساسی ارائه کرد. زادگاه او سرزمین ولز است و وی از کودکی با ترانه‌های محلی و در فرهنگی سرشار از موسیقی بزرگ شده لذا گوش او نسبت به نوازندگان شهرنشین انگلستان با موسیقی شرقی بسیار مانوس‌تر است. رواج گسترده ساز چنگ در آن منطقه نیز در اجراهای موفق او بسیار تاثیرگذار بوده است.

■در شب اجرای برنامه آثاری که از آهنگسازان ایرانی به اجرا درآمد دارای فضایی بسیار متفاوت بود؛ «سمفونی خرابه‌های پارسه» از امین‌الله حسین که حدود شصت سال پیش و با توجه به فضای همان زمان در کاربرد ملودی‌های شرقی ساخته شده، «به یاد لامارتین» که با الهام از سروده‌های این شاعر فرانسوی توسط هرمز فرهت برای ارکستر زهی آفریده شده و کنسرتوی شما. واکنش‌ها نسبت به هر یک از این کارها چگونه بود؟

ارکستر و رهبر با سمفونی امین‌الله حسین که البته قطعه زیبایی است بیشتر به عنوان موسیقی فیلم برخورد کردند. به ویژه آخرین موومان از این سمفونی که همه را به یاد موسیقی فیلم بنهور انداخته بود. البته این قضیه تعجبی ندارد چون پسر آهنگساز، روبرت حسین از هنرپیشگان نامدار سینمای فرانسه است و شماری از آثار سمفونیک امین‌الله حسین در اصل به عنوان موسیقی فیلم ساخته می‌شد و بعداً به صورت یک اثر سمفونیک بزرگ درمی‌آمد. این قضیه در موسیقی فیلم «راسپوتین» نیز به گوش می‌رسد که موسیقی بخشی از آن در باله «مینیاتورهای ایرانی» نیز به کار برده شده است. قطعه‌ای که از هرمز فرهت به اجرا درآمد دو موومان برای ارکستر زهی بود. این اثر شاید ارتباطی با موسیقی ایرانی نداشت ولی باید تاکید کنم که یک هنرمند ایرانی همیشه نباید صرفاً در پی ارتباط برقرار کردن با موسیقی یا حتی فرهنگ ایران باشد. این دو موومان با مهارت و شناخت کامل نوشته شده بود و می‌توان به جرات گفت این کار در میان آهنگسازان ایرانی تنها از عهده هرمز فرهت برمی‌آمد. آهنگسازی که نه تنها آثار برجسته‌ای آفریده بلکه در عرصه موسیقی‌شناسی ایرانی نیز چهره‌ای جهانی به شمار می‌آید. پایان‌نامه‌ای که ایشان سال‌ها پیش در زمینه شناخت دستگاه‌های موسیقی ایران به دانشگاه UCLA ارائه کرد در سال ۱۹۹۰ به وسیله انتشارات دانشگاه کمبریج در سراسر دنیا انتشار یافت. برای من افتخار بزرگی بود که اثرم در کنار اثر چنین موسیقی‌دانی اجرا شود. رهبر فرانسوی ارکستر، پاسکال روفه (Pascal Roufe) نیز بسیار تحت تاثیر این اثر قرار گرفته بود. ولی در نهایت فکر می‌کنم آنچه جالب بود ارائه آثاری با حال و هوایی بسیار متفاوت از آهنگسازان ایرانی از سه نسل بود که تنوع اندیشه و کار آنها را نشان می‌داد.

■ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی در آغاز درصدد بود این برنامه را به ساخته‌های آهنگسازان کشورهای خاورمیانه اختصاص دهد ولی در نهایت تمام برنامه به آهنگسازان و نوازندگان ایرانی اختصاص پیدا کرد. این دگرگونی در محتوای کنسرت‌ها چگونه رخ داد؟

اگر این برنامه به آثار کشورهای خاورمیانه‌ای و نه تنها ایران اختصاص پیدا می‌کرد احتمال می‌رفت آثاری از همه رنگ به ویژه از کشورهای عربی در کنار آثار آهنگسازان شاخص ایران قرار گیرد. این طرح مورد مخالفت عوامل ایرانی کنسرت و همچنین شاند ویلیامز قرار گرفت و خوشبختانه در نهایت محتوای برنامه تماماً به ایران اختصاص پیدا کرد. علاوه بر آثار آهنگسازان ایرانی، قطعه «مجموعه ایرانی» (Persian Set) برای ارکستر، اثر هنری کاول (Henry Cowell)، آهنگساز آمریکایی و «آوازهای عاشقانه حافظ» (برای آواز و ارکستر) از کارل شیمانوفسکی (Karol Szymanowski) آهنگساز لهستانی، هم اجرا شد که هر دو کار، سال‌ها پیش با تاثیر از فرهنگ و ادبیات پارسی ساخته شده بودند. گروه «دستان» نیز علاوه بر برنامه ویژه برای ارائه موسیقی کلاسیک ایرانی در بخش کوتاهی نیز با ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی اجرای مشترک داشت.

■آیا ارکسترهای دیگر نیز برای اجرای کنسرتویی که برای چنگ و ارکستر آفریده‌اید ابراز تمایل کرده‌اند؟

صحبت‌هایی برای اجرای این کنسرتو در پاییز امسال در کپنهاگ و سال آینده در آمستردام با تکنوازی شاند ویلیامز شده است ولی هنوز به طور قطعی روشن نیست.

نگاهی به یک آلبوم

ترانه‌های زندگی یکنواخت

اولین آلبوم گروه کوکس بعد از هفت هفته به مقام سوم جدول پرفروش‌ترین آلبوم‌های بریتانیا دست یافت. این گروه چهارنفره از شهر برایتون بریتانیا در اواخر سال گذشته با تک آهنگ Eddie's Gun وارد صحنه موسیقی بریتانیا شد و با تک آهنگ‌های You Dont Love Me و Sofa Song روز به روز به تعداد هواداران خود افزوده است. آلبوم Inside In/Inside Out در سبک ایندی پاپ- راک تهیه شده است. اکثر آهنگ‌های آن کوتاه و خلاصه هستند. ترانه‌های آلبوم مسائل روزمره که همه با آن آشنایی دارند را دربرمی‌گیرد مانند حوادثی که در اتوبوس اتفاق می‌افتد، روابط بین عاشق و معشوق و یا ناامیدی و زندگی یکنواخت. موسیقی گروه از اصالت مشخصی برخوردار نیست و در بین آهنگ‌ها تاثیر گروه‌های دیگر سبک ایندی راک مانند استروکز، لیبرتاینز و سوپرگراس آشکار است. اما نقطه قوت آلبوم در ملودی‌های جذاب آن است که تمایل بیشتری به سوی موسیقی پاپ دارند. احساس کل آلبوم نیز با نشاط‌تر از آلبوم‌های موجود این سبک در بازار است که شاید دلیل دیگری برای موفقیت سریع آلبوم در آغاز فصل بهار باشد که زمان پرجنب‌وجوشی برای کمپانی‌های موسیقی است.

تهیه آلبوم به عهده تونی هافر تهیه‌کننده پرسابقه آمریکایی بود که تا به حال با گروه ار(Air) و بک (Beck) کار کرده است. تمام آلبوم برخلاف روند امروزی بر روی نوار (که امروزه آنقدر در بریتانیا کمیاب است که ناچار باید آن را از کشورهای دیگر تهیه کرد) و نه به صورت دیجیتال ضبط شده که به صدای گرم کل آلبوم کمک کرده است. لوک پریتچارد خواننده و ترانه‌سرای بیست ساله گروه کوکس را در سال ۲۰۰۳ هنگام تحصیل در انستیتوی موسیقی مدرن برایتون همراه با دوستانش مکس رافرتی، هاگ هریس و پل گارد بنیان گذاشت. دیری نپایید که با کمپانی موسیقی ورجین قرارداد بستند و به همراه چند گروه موسیقی راک دیگر کنسرت‌های مختلفی در بریتانیا اجرا کردند.

لوک پریتچارد از محله فارست هیل در جنوب لندن است. پدرش نوازنده گیتار و سازدهنی بود و با گروه خود به عنوان گروه دوم در کنسرت‌های رولینگ استونز و جان لی هوکر برنامه اجرا کرده بود. پریتچارد سه ساله بود که پدرش درگذشت و از او چیزی که برای پریتچارد باقی ماند مجموعه صفحه‌های وی بود که به بیش از ده هزار نسخه می‌رسید. پریتچارد در این باره می‌گوید: «خیلی ناراحت‌کننده بود چون وقتی پدرم درگذشت به خاطر مشقت مالی، مادرم اجباراً قسمتی از این مجموعه را فروخت. ولی بخش زیادی از آن به من رسید و برای من گوش کردن به آنها مانند مطالعه در یک کتابخانه بزرگ بود. من خیلی از آنها آموختم.»

در جواب این سئوال که آیا پریتچارد به یاد پدرش به دنبال کسب و حرفه موسیقی رفته، می‌گوید: «بله فکر می‌کنم همینطور است. من کودکی بیش نبودم که او را از دست دادم و فکر می‌کنم که او تاثیر قابل ملاحظه‌ای روی من گذاشت حتی اگر فقط ارثی بود، چون من مانند او علاقه زیادی به موسیقی بلوز دارم. فراموش نمی‌کنم که دوساله بودم که پدرم از من هنگام خواندن ترانه «زیردریایی زرد» گروه بیتلز فیلم گرفت. من هنوز آن فیلم را دارم.» اما درباره شهرت سریع و اینکه موفقیت غیرقابل پیش‌بینی و فوق‌العاده جیمز بلانت (یکی از معدود خواننده‌های مشهور بریتانیایی که آثارش فروش فوق‌العاده‌ای در آمریکا داشته است) بدون شک راه را برای خواننده ـ ترانه‌سرایان امثال او- هموارتر کرده است، پریتچارد می‌گوید: «وقتی موسیقی بلانت را همه‌جا در کوچه و بازار می‌شنوم، از آن وحشت می‌کنم. من ترجیح می‌دادم که شهرت یا موفقیت ما تدریجی باشد، زیرا اینطور شهرت اعتبار زیادی ندارد. شما را بعد از خرج کردن دو میلیون پوند تبلیغات در حلقوم مردم فرو می‌کنند تا مردم در هر مغازه و دکه‌ای سی‌دی شما را بخرند.»

البته از پنج سال گذشته تا به حال در بریتانیا خط بین موسیقی پاپ عامه‌پسند و ایندی راک کم‌رنگ‌تر شده است. در آن زمان موفقیت گروه‌هایی مانند آرکتیک مانکیز و کایزر چیفس در مدتی بسیار کوتاه امری بود غیرقابل تصور. از این رو موفقیت سریع گروه کوکس را می‌توان بیشتر در عامه‌پسندتر شدن سبک ایندی راک و یا نزدیک‌تر شدن ایندی راک به پاپ جست‌وجو کرد. به گفته پریتچارد آلبوم بعدی کوکس تقریباً آماده است. او می‌گوید: «آهنگ‌ها Sofa Song, Eddie's Gun را من سال‌ها پیش نوشتم. آهنگ‌های جدید ما بیشتر به سبک Roots (سبکی که بیشتر روی ریشه‌های راک اند رول تکیه دارد) نزدیک است. ما اخیراً خیلی به آهنگ‌های گروه Free و رولینگ استونز گوش دادیم. از این به بعد نیز بقیه اعضای گروه سهم بیشتری در نوشتن ترانه‌ها و موسیقی خواهند داشت.»

Inside In/Inside Out اولین آلبوم گروه کوکس از خلاقیت آنچنانی که بتواند به طور مشخص این گروه را از گروه‌های دیگر سبک ایندی راک متمایز کند برخوردار نیست ولی در آن پتانسیل گروه کوکس جلوه می‌کند. شاید همانطور که پریتچارد مایل است رشد گروه کوکس تدریجی است و باید در انتظار کار برجسته آن بود.

منبع: بی‌بی‌سی

ریتم

ساخت سرود ملی افغانستان

قرار بر آن بود که سرود ملی افغانستان به دور از هرگونه ایدئولوژی تنظیم شود. دو سال گذشت تا شعری مناسب برای این سرود تهیه شد. روز چهارشنبه نوزدهم آوریل موسیقی این سرود ملی نیز در آلمان آماده شد.

خالق این موسیقی «ببرک واسا»ست. واسا بیش از دو دهه است که در آلمان زندگی می‌کند و در شهر برگیش گلادیاخ هدایت چند گروه کر را به عهده دارد.

هفتاد نوازنده گروه ارکستر بتهوون در شهر بن آلمان مسئولیت اجرای موسیقی جدید ملی افغانستان را به عهده دارند. شعر این اثر به کشور افغانستان یعنی زادگاه اقوام مختلف می‌پردازد.

بعضی می‌گویند که این شعر با نام بردن گروه‌های قومی مختلف، گیرایی و کشش خود را از دست داده است. همچنین بسیارند کسانی که انتقاد می‌کنند چرا این شعر باید به زبان پشتو باشد، در حالی که زبان دری نیز چون پشتو زبان رسمی کشور تعیین شده است. این انتقاد را آهنگساز موسیقی ملی افغانستان نیز دارد. او ببرک واسای ۵۷ساله است که دوره دوازده ساله تحصیلی اش را در رشته موسیقی در کنسرواتوار چایکوفسکی در مسکو به پایان رسانده. ببرک واسا این قطعه را از ترانه‌های محلی گوناگون افغانی الهام گرفته و بسیار خوشحال است که ارکستری بنام چون گروه ارکستر بتهوون در شهر بن آلمان اجرای موسیقی ملی افغانستان را به عهده گرفته است. مخارج تهیه این سرود ملی را در مجموع دولت افغانستان به عهده گرفته است. دولت افغانستان می‌خواهد این سرود ملی، با پول دولتی تولید شود تا بعدها نگویند که حتی سرود ملی کشور نیز با کمک مالی خارجی تهیه شده است.

ببرک واسا کاملاً موافق این نظر دولت افغانستان است و به همین جهت در کنار ساختن موسیقی ملی هدیه دیگری برای مردم کشورش به ارمغان آورده و قطعه «راپسودیا افغانیکا» را به همراه سرود ملی کشور تقدیم مردم افغانستان کرده است. این قطعه زندگی پررنج و درد مردم افغانستان در ۳۰ سال گذشته و همچنین تغییرات اخیر در کشور را به تصویر می‌کشد.

راه‌اندازی جنبش حمایت از آهنگسازان بریتانیا

ایلنا: «سر کلیف ریچارد» از جنبشی که توسط صنعت موسیقی انگلستان راه افتاده حمایت می‌کند. این جنبش خواهان افزایش تعداد سال‌هایی است که آهنگسازان می‌توانند حق تالیف آثارشان را دریافت کنند. هم‌اکنون نوازندگان و خوانندگان در بریتانیا تا ۵۰ سال حق تالیف اثرشان را دریافت می‌کنند یعنی تا زمانی که کپی‌رایت اثرشان از میان می‌رود. «سرکلیف» می‌گوید: آنها باید حقوق مساوی با ترانه‌سرایان داشته باشند یعنی حق تالیف اثر در تمام طول زندگی به اضافه ۷۰ سال.

بعد او در مصاحبه‌اش با رادیو ۴ بی‌بی‌سی این روند را ناعادلانه خواند، این در حالی است که بسیاری از آهنگسازانی که در دهه ۱۹۵۰ به ضبط آثارشان پرداخته‌اند برای گذران زندگی به همین کپی‌رایت‌ها تکیه دارند. لازم به ذکر است که از ژانویه سال ۲۰۰۵ نسخه ترانه‌هایی که حداقل ۵۰ سال قدمت دارند رایگان و بدون نیاز به پرداخت کپی‌رایت به مالکان اثر در اختیار افراد قرار می‌گیرد، این در حالی است که آمریکا در سال ۱۹۹۸ کپی‌رایت را از ۵۰ سال به ۹۵ سال افزایش داد. هم‌اکنون بررسی کپی‌رایت موسیقی در انگلستان در هفته پایانی به سر می‌برد و کمیسیون اروپا سال آینده در این باره گزارش می‌دهد.

برگزاری جشنواره موسیقی مقامی در شیروان

ایرنا: پنجمین جشنواره موسیقی مقامی روز پنجشنبه در شهرستان شیروان در استان خراسان شمالی کار خود را آغاز کرد. در این جشنواره ۱۲۴ هنرمند در قالب ۱۴ گروه تک‌نوازی و همنوازی به اجرای برنامه خواهند پرداخت.

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان شمالی گفت: موسیقی مقامی در این استان از جایگاه مناسبی در بین مردم برخوردار است و چون برخاسته از دل است باید آن را در ردیف موسیقی‌های عرفانی و معنوی دانست. «رضا احمدی» در مراسم گشایش این جشنواره افزود: موسیقی مقامی در واقع چهره‌ای فراملی و جهانی دارد و اگر اغراق نشود می‌توان آن را سرآمد همه هنرها دانست. وی افزود: موسیقی خوب تلطیف‌کننده روح و هدایت‌کننده انسان به سوی تفکر و اندیشه و موجب تسلای خاطر است و به همین خاطر نردبانی برای عروج و تعالی روح و جان انسان است.

معاون هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی نیز در این آیین به جایگاه ممتاز موسیقی در نزد مردم خراسان شمالی اشاره کرد و گفت: به دلیل نفوذ موسیقی در زندگی مردم این استان، جدا کردن آن از زندگی مردم دشوار و تا حدودی نشدنی است. «محمدکریم شجاعی» افزود: پژوهش صورت گرفته در استان خراسان شمالی حاکی از آن است که بارزترین نیاز و علاقه جوانان این خطه به هنر موسیقی است. وی گفت: موسیقی سالم تاثیر مثبت اخلاقی در شنونده به‌جای نهاده و روح او را تلطیف کرده و او را تعالی می‌بخشد. «علی‌اکبر طاهری» سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شیروان نیز در این مراسم موسیقی محلی خطه شمال خراسان را دارای ریشه و اصالت معنوی دانست و گفت: این موسیقی با وجود تهاجمات بیگانگان در سال‌های متمادی اصالت و محتوای خود را حفظ کرده است.